



نقشه راه

برای گذار از وضعیت موجود افغانستان به سمت یک نظام مشروع، دموکراتیک، تنوع محور و توسعه گرا

مقدمه

افغانستان در دهه‌های گذشته با بحران‌های عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مواجه بوده است که هر یک، روند دستیابی به صلح پایدار، ثبات و توسعه را با چالش‌های اساسی روبه‌رو ساخته‌اند. گذار از این وضعیت و حرکت به سوی نظام مشروع، دموکراتیک، تنوع محور و توسعه گرا، مستلزم تدوین نقشه راه جامع و همه جانبه است. این نقشه راه باید بازسازی ساختارها و نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را به نحوی مشخص سازد که تمام اقشار جامعه، اعم از گروه‌های اجتماعی، زنان، اقلیت‌ها و جوانان، در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها، مشارکت مؤثر و تضمین شده داشته باشند.

تحقق این اهداف، مستلزم بهره‌گیری از تجربه‌های گذشته و ترسیم چشم‌انداز آینده از طریق مشورت و همفکری با شخصیت‌ها، تشکل‌های سیاسی، نهادهای مدنی، گروه‌های اجتماعی، مجموعه‌های فرهنگی و حمایت جامعه بین‌المللی است تا گام‌های مشخص و عملی در راستای انتقال قدرت، بازسازی نهادها و تقویت جامعه مدنی برداشته شود. در فردای پسا طالبان، ضروری است که اراده آزاد مردم از طریق مکانیزم شفاف، عادلانه و دموکراتیک تجلی یابد، به گونه‌ای که تمامی گرایش‌های سیاسی و واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی کشور فرصت بیان دیدگاه‌های خود را در یک مجمع فراگیر و ملی داشته باشند. این فرآیند باید زمینه‌پی‌ریزی و بسترسازی نوع نظام سیاسی و تدوین قانون اساسی جدید کشور را فراهم سازد. تحقق این اهداف، نیازمند انسجام ظرفیت‌های متنوع در چارچوب همفکری و

تصمیم‌گیری مشترک و مبتنی بر حقوق بنیادین، ارزش‌های صلح، پذیرش تنوع، فرهنگ مدارا، همزیستی مسالمت‌آمیز، مزیت برابری و فضیلت عدالت است.

سند پیش‌رو، چارچوب اصولی و تدریجی گذار کشور به سوی آینده مبتنی بر حاکمیت قانون، تضمین حقوق اساسی شهروندان و تحقق حکمرانی مردمی و مشارکتی را ترسیم می‌کند.

۱. تحلیل وضعیت موجود

الف. چالش‌ها

گروه طالبان، با وجود اعمال زور بر مردم افغانستان، افزون بر اینکه از مزیت رضایت عمومی بهره ندارد، در راستای جلب مشروعیت بین‌المللی نیز ناکام مانده است. این گروه با بحران مشروعیت سیاسی و ناکارآمدی مواجه است، چرا که حکومت خودخوانده آن‌ها فاقد پشتوانه اراده عمومی و سازوکارهای دموکراتیک برای مشارکت مردم در اداره کشور است. طالبان نه تنها ظرفیت و مهارت لازم برای حکمرانی کارآمد را ندارند، بلکه هیچ برنامه علمی، اقتصادی یا سیاسی برای مدیریت کشور را نیز ارائه نتوانسته‌اند. روش آن‌ها مبتنی بر سلطه نظامی و توسل به قدرت سخت است، درحالی که چنین شیوه‌ای نه تنها ناکارآمد است، بلکه به صورت قطع، به تشدید بحران در کشور دامن می‌زند و به عاملی برای فروپاشی داخلی این گروه نیز منجر می‌شود.

در کنار ناکارآمدی حکمرانی، شکاف‌های اجتماعی در اثر تشدید تعارضات گوناگون توسط طالبان رو به افزایش است که این امر، "انسجام اجتماعی" را به شدت تهدید می‌کند. فقر و نابرابری که روزه‌روز گسترده‌تر می‌شود، امید به آینده را از بین برده و زمینه مهاجرت گسترده نخبگان و نیروی کار را فراهم ساخته است. سرکوب آزادی‌ها، نقض حقوق طبیعی و فطری شهروندان، تبعیض سیستماتیک علیه زنان، نقض حقوق اولیه اقلیت‌ها، منع فعالیت‌های مدنی و روزنامه‌نگاری مستقل، همگی نشانه‌هایی از سلطه جویی یکجانبه طالبان است که پیامدهای منفی و مخرب آن نه تنها در سطح داخلی بلکه در سطح منطقه‌ای نیز آشکار شده است.

در شرایط موجود، سیاست‌های طالبان باعث افزایش بی‌ثباتی در منطقه، تشدید رقابت‌های جیوپلیتیکی و مداخلات خارجی شده است که روند دستیابی به صلح را بیش از پیش پیچیده کرده است. عدم به رسمیت شناختن این گروه توسط جامعه جهانی و سازمان‌های بین‌المللی، افغانستان را در وضعیت انزوای اقتصادی و سیاسی قرار داده و زمینه بحران‌های عمیق‌تری را فراهم آورده است. در چنین شرایطی، ادامه وضعیت کنونی نه تنها افغانستان را از مسیر توسعه و ثبات دورتر می‌سازد، بلکه می‌تواند زمینه ساز بحران‌های جدیدی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شود.

ب. فرصت ها

در مقابل چالش های موجود، فرصت هایی نیز برای تغییر و گذار به حکمرانی مشروع، کارآمد و مبتنی بر اراده عمومی وجود دارد. از مهم ترین این فرصت ها، خواست عمومی برای تغییر و بازگشت به نظم مبتنی بر مشارکت مردمی و حقوق اساسی شهروندان است. افزایش نارضایتی عمومی از وضعیت موجود، شکل گیری گفتمان های مطالبه گر و تقویت تمایل جامعه به ساختارهای سیاسی پاسخگو، نشان دهنده این ظرفیت بالقوه برای تحول است، ظرفیت های مدنی نیز یکی از ابزارهای کلیدی تغییر محسوب می شوند. نهادهای مدنی و اجتماعی، جنبش های زنان، دانشگاهیان، رسانه های مستقل، حلقه های روشنفکری نقش مهمی در تقویت آگاهی عمومی، ارائه بدیل برای حکمرانی، و شکل دهی به گفتمان های سیاسی و اجتماعی دارند. جمعیت جوان که بخش عمده جامعه افغانستان را تشکیل می دهد، با برخورداری از انگیزه قوی برای تغییر و بهبود شرایط، می تواند نیروی محرکه اصلی در مسیر بازسازی کشور باشد. حمایت های بین المللی و علاقه مندی جهانی به همکاری در بازسازی افغانستان نیز فرصتی ارزشمند است. اگرچه شرایط کنونی سبب احتیاط جامعه جهانی در تعامل با افغانستان شده است، اما در صورت ایجاد بسترهای مناسب برای تعامل، امکان بهره گیری از ظرفیت های دیپلماتیک، اقتصادی و توسعه ای بین المللی وجود دارد.

علاوه بر این، افغانستان با داشتن منابع طبیعی غنی، موقعیت جیوپلیتیکی مهم و تنوع فرهنگی، ظرفیت های بالقوه برای توسعه دارد. در صورتی که حکمرانی مبتنی بر ثبات، شفافیت و حاکمیت قانون ایجاد شود، این منابع می توانند به عنوان موتور توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور عمل کنند. در نهایت، بهره گیری از این فرصت ها مستلزم انسجام نیروهای داخلی، تدوین سیاست های مدبرانه و اتخاذ رویکرد مشارکتی در مدیریت آینده افغانستان است.

۲. چشم انداز

افغانستان مطلوب کشوری است که در آن حقوق اساسی مردم، به عنوان صاحبان اصلی قدرت و کشور، معیار و مبنای تصمیم گیری باشد. معیار و مبنای بودن حقوق مردم دارای شاخص های زیر است:

۱. حق آزادی: آزادی، حق فطری و غیرقابل انکار انسان است و هیچ شهروندی نباید از این حق محروم شود. آزادی بیان، آزادی رسانه ها، و گردش آزاد اطلاعات از بنیان های یک جامعه دموکراتیک هستند. محدودیت های آزادی باید تنها در چارچوب استانداردهای حقوق بشری و موازین بین المللی، نه صرفاً دین و عرف، تعریف شود تا مانع نقض حقوق فردی و اجتماعی نشود.

۲. **حق امنیت:** امنیت، در ابعاد جسمی، روانی، اقتصادی و اجتماعی، از حقوق بنیادین هر فرد است. شهروندان افغانستان باید در فضای عاری از خشونت، ترس و ناامنی زندگی کنند و از حمایت قانونی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی در قالب "امنیت انسانی" برخوردار باشند.

۳. **حق برابری:** تمامی شهروندان افغانستان، بدون توجه به جنسیت، قومیت، مذهب یا سایر ویژگی‌های ظاهری و فردی، باید از حقوق برابر برخوردار باشند. این اصل، که یکی از ارکان حقوق بشر است، باید در تمام سیاست‌ها و برنامه‌های حکمرانی اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، فرهنگی توسعه و محیط زیستی رعایت شود. قومیت، مذهب، زبان و دیگر هویت‌های ظاهری هرگز نباید باعث امتیاز طلبی یا سلب و محرومیت از حقوق اساسی شهروندان گردد.

۴. **حق تعیین سرنوشت:** مردم افغانستان حق دارند نظام سیاسی و اجتماعی مورد نظر خود را آزادانه انتخاب کنند. این حق، که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح شده، غیرقابل سلب و انکار است. بر این اساس، مشروعیت نظام سیاسی باید بر بنیان خواست و اراده مردم تعریف شود و نهادهای حکومتی بر اساس قرارداد اجتماعی ناشی از اراده عمومی شکل گیرند.

۵. **حق مشارکت در امور عمومی:** همه افراد باید بتوانند به گونه فعال در فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی مشارکت داشته باشند، از جمله برخورداری از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در انتخابات آزاد، عادلانه و شفاف، بدون تبعیض یا محدودیت‌های غیرموجه.

۶. **حق آموزش:** آموزش باکیفیت و رایگان، زیربنای توسعه پایدار و توانمندسازی انسانی است. تمامی کودکان و جوانان افغانستان باید بدون تبعیض به فرصت‌های آموزشی عادلانه و برابر دسترسی داشته باشند.

۷. **پذیرش کثرت‌گرایی:** افغانستان، به عنوان کشوری با هویت متکثر، باید تنوع قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی خود را به رسمیت بشناسد و از این تنوع به عنوان یکی از ارکان سرمایه اجتماعی برای تقویت همبستگی، ثبات و توسعه پایدار بهره برداری کند.

۸. **التزام به حقوق بشر:** اصول حقوق بشر، صلح و عدالت باید مبنای سیاست‌های داخلی و خارجی کشور باشد. دولت مکلف است به تعهدات بین‌المللی خود در این زمینه پایبند باشد.

۹. **پذیرش هنجارهای بین‌المللی:** افغانستان باید به عنوان عضو مسئولیت‌پذیر در جامعه جهانی، به ارزش‌ها و قواعد بین‌المللی احترام بگذارد و با تعامل سازنده در مناسبات منطقه‌ای و جهانی، نقش مثبتی در حفظ صلح و توسعه بین‌المللی ایفا کند.

استراتژی عبور از دوره بحران و مدیریت دوره گذار و رسیدن به مرحله ثبات

مرحله نخست: بسترسازی و ساماندهی

مرحله نخست: ساماندهی نیروها و فعالیت‌ها، توافق در مورد انسجام ظرفیت‌ها و تبیین راهکارها و زمینه‌سازی برای کنفرانس بین‌المللی.

۱. **حمایت از مقاومت مردم:** هم‌راستایی و حمایت از مقاومت مردم افغانستان در برابر تفکر طالبانی و گروه‌های تروریستی بین‌المللی برای بازگرداندن امنیت و ثبات به کشور ضروری است. حمایت از جنبش‌های مردمی باید در راستای دفاع از ارزش‌های انسانی، حقوق بشر و حفاظت از تمامیت ارضی کشور باشد.

۲. **همکاری با نیروهای معتقد به تغییر:** ایجاد ارتباط و هماهنگی با شخصیت‌ها، احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی که به نظام دموکراتیک و قانون مدار باور دارند و خواستار تغییر اجتماعی در راستای عدالت و توسعه برای همه هستند. این ارتباطات باید بر مبنای اصول همزیستی مسالمت‌آمیز، برابری و احترام به حقوق همه اقشار جامعه باشد.

۳. **تعامل با نهادهای بین‌المللی:** گسترش روابط با نهادهای بین‌المللی به‌ویژه نهادهای حقوقی و قضایی برای تحت فشار قرار دادن طالبان به واسطه اقدامات جنایتکارانه آن‌ها از جمله جنایات ضد بشری، جنگی، کشتارهای هدفمند و نقض گسترده حقوق زنان، اقلیت‌ها و مخالفان. این فشار می‌تواند شامل تحریم‌ها و پیگیری‌های قضائی در دادگاه‌های بین‌المللی باشد.

۴. **گفتگوهای ملی:** برگزاری و شکل‌گیری دیالوگ‌های مؤثر و نهادی میان مجموعه‌های سیاسی، مدنی و شخصیت‌های مستقل با هدف دستیابی به توافقی مبتنی بر منافع جمعی افغانستان بر سر نحوه انسجام ظرفیت‌ها و تبیین راهکارها. این گفتگوها باید حول محور همبستگی ملی، حقوق بشر و حاکمیت قانون صورت گیرد.

۵. **ایجاد اجماع ملی:** اجماع ملی متشکل است از نمایندگان نیروهای سیاسی و اجتماعی که به ارزش‌های آزادی، مردم‌سالاری، اعتدال و توسعه اقتصادی و سیاسی باور دارند، این اجماع برای ایجاد یک دولت مدنی مبتنی بر اصول حکمرانی خوب و مؤثر با محوریت حقوق اساسی و منافع مردم افغانستان مذاکره و توافق می‌نمایند و هماهنگی‌های لازم را برای تدویر کنفرانس بین‌المللی بوجود می‌آورد.

مرحله دوم: تدویر کنفرانس بین‌المللی

هدف از این مرحله، برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی فراگیر است که تمامی نیروهای سیاسی و مدنی افغانستان در کنار کشورهای همسایه و بازیگران بین‌المللی را گرد هم آورد تا زمینه ورود افغانستان به وضعیت جدید فراهم شود. این کنفرانس، تحت نظارت سازمان ملل متحد و با حضور همه طرف‌های ذیدخل و ذینفع برگزار گردد تا مسائل سیاسی، اجتماعی و حقوقی کشور به گونه جامع مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

۱. **شرکت گسترده و فراگیر جریان‌های داخلی:** این کنفرانس، با حضور تمامی نیروهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، گروه‌های متنوع همچون زنان، جوانان، دانشگاهیان، روشنفکران و فعالان جامعه مدنی داخل و خارج کشور برگزار می‌شود، روند فراگیری که به تضمین شمولیت و عدالت در فرآیند تصمیم‌گیری مدد می‌رساند.

۲. **مشارکت کشورهای همسایه و بازیگران بین‌المللی:** کشورهای دخیل در قضایای افغانستان، به ویژه پنج عضو دائم شورای امنیت به منظور تضمین سلامت دوره گذار، در این کنفرانس حضور داشته باشند. آنها می‌توانند نگرانی‌ها و انتظارات مشروع خود را با در نظر گرفتن محوریت حق مردم افغانستان، در راستای تحکیم صلح جهانی، مقابله با تروریسم و ثبات منطقه‌ای مطرح کنند.

۳. **توافق بر سر نظام سیاسی آینده:** هدف اصلی این کنفرانس دستیابی به توافق کلی در مورد چارچوب نظام سیاسی آینده افغانستان است. این توافق الزام‌مبته بر اصول حکومت مردم‌سالار، حقوق بشر و عدالت اجتماعی است تا همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از آن بهره‌مند شوند.

مرحله سوم: حکومت موقت و تشکیل مجلس مؤسسان

الف. حکومت موقت: ایجاد یک حکومت موقت به منظور مدیریت انتقال قدرت و بازگرداندن افغانستان به حالت عادی و کنترل بحران‌های موجود، یک امر ضروری است. این حکومت باید توانایی اداره امور کشور در وضعیت اضطراری را داشته باشد و اقدامات مؤثر برای امنیت و بازسازی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور انجام دهد. حداکثر مدت زمان این دوره یک سال خواهد بود که طی آن باید شرایط برگزاری انتخابات عمومی فراهم شود.

وظایف حکومت موقت:

۱. برقراری امنیت داخلی و حفظ نظم برای جلوگیری از بروز ناآرامی‌ها و خشونت‌ها و مقابله با تروریسم در همکاری با نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای.
۲. برقراری و تقویت دیپلماسی و اتخاذ رویکرد مستقل و متوازن در تعاملات منطقه‌ای و جهانی تا برگزاری انتخابات عمومی.
۳. اداره امور روزمره و مدیریت امور اجرایی کشور تا زمان تشکیل حکومت جدید.
۴. اجرای اصلاحات موقت برای بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور.
۵. حمایت از حقوق بشر و اطمینان از رعایت آزادی‌های اساسی شهروندان.
۶. انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و آماده سازی شرایط جهت برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه برای تعیین حکومت دائمی.
۷. برگزاری انتخابات آزاد و شفاف و تأسیس نهادهای نظارتی مستقل برای تضمین سلامت انتخابات.

ب. تشکیل مجلس مؤسسان:

مجلس مؤسسان به منظور تسهیل روند گذار و رسیدن به ثبات سیاسی در افغانستان، به عنوان یک نهاد فراگیر سیاسی و حقوقی تشکیل می‌شود. این نهاد شامل نمایندگان گروه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مدنی است که وظیفه اصلی آن، پیگیری اجرای توافقات و شکل‌دهی به مکانیزم‌های عبور و انتقال قدرت است. هدف از تشکیل مجلس مؤسسان، تضمین مشارکت گسترده و برابر تمامی اقشار جامعه در روند سیاسی کشور و فراهم ساختن بستری برای ایجاد یک سیستم دموکراتیک، عادلانه و تدوین قانون اساسی بر مبنای آزادی، اراده و خواست مردم است.

ترکیب، ساختار و حوزه اختیارات و صلاحیت های پیشنهادی ما برای دعوت و برگزاری مجلس مؤسسان بر مبنای نظام انتخاباتی مختلط می باشد.

نحوه انتخاب اعضای مجلس مؤسسان:

ترکیب، ساختار و حوزه اختیارات:

ترکیب و ساختار مجلس مؤسسان باید بر اساس یک نظام انتخاباتی مختلط طراحی شود که نمایندگان تمامی لایه های اجتماعی و سیاسی کشور را شامل گردد. این فرآیند باید شفاف، عادلانه و قابل اعتماد باشد تا مشروعیت لازم برای فرآیندهای تصمیم گیری در سطح ملی تأمین گردد.

الف. نحوه انتخاب اعضای مجلس مؤسسان:

۱. یک سوم نمایندگان بر اساس حوزه های جغرافیایی:

در این بخش، شخصیت های مستقل و متنفذین اقوام مختلف افغانستان باید در یک روند دموکراتیک و مبتنی بر شفافیت و رعایت معیارهای تعیین شده توسط نظام نامه های انتخاباتی، نامزد شوند و در صورت برآورده کردن این معیارها، به عضویت مجلس مؤسسان درآیند. این بخش باید شامل نمایندگانی از مناطق مختلف کشور باشد تا تنوع جغرافیایی در تصمیم گیری ها لحاظ گردد.

معیار گزینش نمایندگان حوزه های جغرافیایی باید بر مبنای آرای نفوس تعیین شود.

۲. یک سوم نمایندگان از احزاب سیاسی:

این بخش به احزاب سیاسی کشور اختصاص داده می شود تا از طریق مکانیزم رأی گیری نسبی، نمایندگان خود را معرفی کنند. این احزاب می توانند لیست نمایندگان خود را در حوزه های مختلف انتخاباتی ارائه دهند. برای مشارکت هرچه بهتر و بیشتر مجموعه های فعال سیاسی باید حداقل پنج درصد از آرای عمومی برای ورود احزاب کوچک به مجلس مؤسسان لحاظ شود.

۳. یک سوم نمایندگان از سازمان های اجتماعی و نهادهای مدنی:

این بخش به نمایندگان طبقات و اقشار مختلف اجتماعی مانند کارگران، دهقانان، پیشه وران، زنان، جوانان، حقوق دانان، نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران و دیگر گروه های اجتماعی اختصاص دارد. این نمایندگان از طریق

نهادهای اتحادیه‌ها و سازمان‌های مربوط خود به مجلس راه خواهند یافت و نقش مهمی در تضمین عدالت اجتماعی و اجتماعی سازی فرآیندهای سیاسی ایفا خواهند کرد.

گزینش نمایندگان سازمان‌های اجتماعی و مدنی نیز براساس میکانیزم رای نسبی مانند احزاب سیاسی صورت گیرد.

ب. وظایف و صلاحیت‌های مجلس مؤسسان:

۱. تدوین و تصویب اصول وظایف داخلی و کارشویه‌های اعضا

مجلس مؤسسان باید دستورالعمل‌ها و کارشویه‌های دقیق و روشنی برای عملکرد اعضای خود تدوین کند تا فرآیندهای تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری شفاف و منظم باشد.

۲. گزینش کمیته تسوید قانون اساسی جدید افغانستان

مجلس مؤسسان موظف است کمیته متشکل از متخصصان حقوقی و نهادهای مختلف را برای تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جدید افغانستان انتخاب کند. این کمیته باید در مدت حداکثر سه ماه پیش‌نویس قانون اساسی را به اجلاس دوم مجلس مؤسسان ارائه دهد.

۳. بحث و رأی‌زنی پیرامون پیش‌نویس قانون اساسی و تصویب آن.

مجلس مؤسسان پس از دریافت پیش‌نویس قانون اساسی، آن را مورد بررسی، بحث و رأی‌زنی قرار داده و در نهایت آن را تصویب خواهد کرد. تصویب نهایی قانون اساسی باید در راستای حفظ آزادی‌های اساسی مردم، حقوق بشر و منافع جمعی کشور باشد.

۴. مکانیزم نظارتی

مجلس مؤسسان برای اطمینان از شفافیت، عدالت و عدم دخالت‌های نهادهای داخلی و خارجی در فرآیندهای تصمیم‌گیری مجلس، تسوید قانون اساسی و روند انتخابات، کمیته‌ای را برای دیده‌بانی و نظارت تشکیل خواهد داد.

نتیجه‌گیری

تحقق روند گذار افغانستان به سوی نظام آزاد، مشروع، مردم‌سالار، تنوع‌محور و توسعه‌گرا، نیازمند حسن نیت، همکاری، تعهد و مسئولیت‌پذیری همه اقشار و مجموعه‌های سیاسی، مدنی و اجتماعی افغانستان و همچنین جامعه جهانی است. این امر، با تمرکز بر انسجام اجتماعی، بازسازی نهادهای سیاسی، ملی، توسعه اقتصادی و اجتماعی، مسیر

حرکت به سوی آینده پایدار و عادلانه را هموار می کند. بهره گیری از این چارچوب و تمرکز بر بازسازی نهادها، تقویت زیرساخت های اقتصادی و اجتماعی، زمینه ساز حاکمیت قانون، همگرایی و عدالت اجتماعی در افغانستان است. این امر نه تنها به افغانستان کمک خواهد کرد تا از بحران کنونی عبور نماید و فرصت های جدیدی برای رشد و پیشرفت در سطح ملی و بین المللی را ایجاد کند؛ مسیر رسیدن به یک آینده شکوفا، پایدار و عادلانه را نیز هموار خواهد ساخت.

مجمع همزیستی و (های) (مهر)

۲۰۲۵